

## تحلیل شبکه ای کنشگران کوفه تا کربلا

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۱۰/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۱۲/۰۴)

حسین نامور<sup>۱</sup>

### چکیده

مقاله‌ی حاضر با عنوان «تحلیل شبکه‌ای کنشگران کوفه تا کربلا» می‌کوشد رخدادهای میان کوفه و کربلا را نه صرفاً به صورت روایتی خطی، بلکه در قالب ساختار روابط و الگوهای ارتباطی میان کنشگران بازخوانی کند. چارچوب نظری پژوهش بر رویکرد شبکه‌گرایی استوار است که در آن کنشگران به مثابه گره‌ها و انواع پیوندها از نامه‌نگاری و بیعت تا میانجی‌گری قبیله‌ای، گزارش‌دهی و کنترل امنیتی به مثابه یال‌های شبکه تعریف می‌شوند. روش کار بر استخراج داده‌های رابطه‌ای از گزارش‌های تاریخی، کدگذاری جهت‌دار و چندلایه‌ی روابط، و تحلیل ساختاری شبکه با اتکا به شاخص‌هایی مانند مرکزیت، میانجی‌گری، خوشه‌بندی و تحلیل گلوگاه‌ها استوار است. یافته‌ها نشان می‌دهد شبکه‌ی کوفه در آغاز ظرفیت بالایی برای بسیج دارد، اما به دلیل وابستگی به میانجی‌های حساس و پل‌های محدود بین خوشه‌ای، در برابر راهبردهای شبکه‌ای کنترل (قطع گلوگاه‌ها و افزایش هزینه‌ی ارتباط حمایتی) شکننده می‌شود. در مرحله‌ی مسیر، شبکه از ساختار شهری متراکم به شبکه‌ای گذرگاهی و کم‌تراکم تغییر می‌کند که در آن انتقال خبر، تأخیر اطلاعاتی و محدود شدن مسیرهای ارتباطی نقش تعیین‌کننده می‌یابد. در نهایت، شبکه در کربلا به آرایشی دوقطبی و محصور نزدیک می‌شود، پیوندهای بین خوشه‌ای حداقلی و پرهزینه می‌گردد و کنترل مکان/منابع به کنترل ارتباطات

<sup>۱</sup> hosein.namvar@yahoo.com

تبدیل می‌شود. این مقاله نتیجه می‌گیرد که تحلیل شبکه‌ای، با حفظ وفاداری به موضوع تاریخی، سازوکارهای اجتماعی پشت تحولات را روشن‌تر می‌کند و نشان می‌دهد که کیفیت اتصال‌ها، نقش میانجی‌ها و مدیریت هزینه‌ی رابطه، در کنار عوامل سیاسی و اعتقادی، در تبیین فرایندهای کوفه تا کربلا اهمیت بنیادین دارند.

**کلمات کلیدی:** تحلیل شبکه‌ای، کنشگران کوفه، واقعه کربلا، شبکه دعوت، شبکه کنترل و سرکوب، میانجی‌گری

### بخش اول: مقدمه

واقعه‌ی عاشورا معمولاً با روایت‌های خطی و اخلاقی شناخته می‌شود. حرکت امام حسین (ع) از مدینه تا مکه و سپس کربلا، نامه‌های کوفه، بی‌وفایی، و نهایتاً رویارویی در دهم محرم. اما همین روایت آشنا، وقتی از زاویه‌ی «روابط» دیده شود، لایه‌های تازه‌ای رو می‌کند. در واقع، بسیاری از تصمیم‌ها و رخداد‌های میان کوفه تا کربلا نه فقط نتیجه‌ی باورها یا فرمان‌ها، بلکه محصول شبکه‌ای از کنشگران است که پیام‌ها را منتقل می‌کنند، ائتلاف می‌سازند، فشار اجتماعی ایجاد می‌کنند، منابع را پخش می‌کنند، و مسیرهای ارتباطی را می‌بندند یا باز می‌گذارند. از این‌رو، «تحلیل شبکه‌ای کنشگران کوفه تا کربلا» تلاشی است برای بازخوانی این مقطع تاریخی با تمرکز بر ساختار ارتباطات و نقش آفرینی بازیگران، نه صرفاً شرح رویدادها به ترتیب زمانی تحلیل شبکه‌ای در علوم انسانی و اجتماعی روشی است که به‌جای نگاه فردمحور یا حادثه‌محور، به الگوهای پیوند میان افراد و گروه‌ها توجه می‌کند. در این

رویکرد، هر کنشگر یک «گره» در شبکه است و روابط میان آن‌ها از نامه‌نگاری و بیعت و هم‌پیمانی تا دشمنی، نظارت، تهدید یا انتقال خبر به عنوان «یال» یا «پیوند» تعریف می‌شود. مزیت این نگاه در مطالعه‌ی مسیر کوفه تا کربلا آن است که نشان می‌دهد چرا برخی افراد با وجود هم‌فکری اولیه کنار رفتند، چگونه برخی چهره‌ها به کانون‌های اثرگذار تبدیل شدند، و چه طور انسدادهای اطلاعاتی و امنیتی در کوفه توانستند مسیر بسیج اجتماعی را تغییر دهند. به بیان دیگر، شبکه‌نگری کمک می‌کند بفهمیم «چه کسی با چه کسی، چگونه و در چه زمانی مرتبط بود» و همین پاسخ، گاهی از هزار صفحه روایت مستقیم روشن‌کننده‌تر است. در محدوده‌ی زمانی و مکانی مورد نظر این مقاله، کوفه یک میدان چندصدایی است. از یک سو گروه‌هایی که با نامه‌ها و پیام‌ها زمینه‌ی دعوت را فراهم می‌کنند، و از سوی دیگر ساختار حاکمیتی که با ابزارهای امنیتی و اداری تلاش می‌کند جریان ارتباطات را کنترل کند. در این میان، کنشگران فقط افراد مشهور نیستند، شبکه از لایه‌های مختلف تشکیل می‌شود. چهره‌های مذهبی و سیاسی، سران قبایل و میانجی‌های اجتماعی، حاملان پیام و نامه، نیروهای نظامی و کارگزاران حکومت، و حتی حلقه‌های خانوادگی و قبیله‌ای که اعتماد یا تردید را شکل می‌دهند. وقتی موضوع را شبکه‌ای بینیم، «کوفه» صرفاً یک شهر نیست، یک گره بزرگ است با زیرشبکه‌هایی که گاهی هم‌سو و گاهی متعارض عمل می‌کنند. «کربلا» هم فقط مقصد جغرافیایی نیست، نقطه‌ی همگرایی شبکه‌هایی است که به تدریج از هم گسسته یا به‌زور بازآرایی شده‌اند. هدف این پژوهش آن است که با استخراج کنشگران کلیدی و پیوندهای میان آن‌ها در مسیر کوفه تا کربلا، تصویری ساختاری از میدان تعاملات ارائه دهد. شبکه‌ی دعوت و حمایت چگونه شکل گرفت؟ گره‌های مرکزی و واسطه‌ها چه کسانی بودند؟ کدام پیوندها شکننده‌تر بودند و در چه مرحله‌ای فروپاشیدند؟ نقش «میانجی‌ها» یا کسانی که میان دو گروه ارتباط برقرار می‌کردند چه اندازه تعیین‌کننده بود؟ و در نهایت، چگونه تغییر در

مرکزیت برخی کنشگران یا قطع چند پیوند حساس، توانست مسیر واقعه را به سمت کربلا هدایت کند؟ این پرسش‌ها مقاله را از سطح توصیف تاریخی صرف فراتر می‌برد و آن را به سمت تحلیل سازوکارهای اجتماعی شکل‌دهنده‌ی رفتار جمعی می‌برد.

روش کارپژوهش بر پایه‌ی بازنمایی رویدادها به صورت داده‌های رابطه‌ای است. هر کنشگر به عنوان یک گره تعریف می‌شود و نوع ارتباط مثل ارسال/دریافت نامه، بیعت، فرمان، گزارش، تهدید، هم‌پیمانی قبیله‌ای، یا همراهی نظامی به عنوان پیوند در نظر گرفته می‌شود. سپس با استفاده از شاخص‌های رایج تحلیل شبکه مانند «مرکزیت» (برای شناسایی کنشگران اثرگذار)، «میانجی‌گری» (برای تشخیص گلوگاه‌های ارتباطی)، و «اجتماعات» یا خوشه‌ها (برای شناسایی بلوک‌های هم‌بسته)، تلاش می‌شود نقشه‌ای روشن از آرایش نیروها به دست آید. در این چارچوب، نتیجه‌ی مورد انتظار نه فقط فهرست نام‌ها و نقش‌ها، بلکه فهمی دقیق‌تر از این است که کدام سازوکارهای ارتباطی، اعتماد و بسیج را تقویت یا تضعیف کرد و چگونه کنترل شبکه‌ی اطلاعاتی در کوفه، وزن کنشگران را تغییر داد. واقعه‌ی کوفه تا کربلا را می‌توان همچون صحنه‌ای دید که در آن «روابط» به اندازه‌ی «اراده‌ها» تعیین‌کننده‌اند. گاهی یک نفر نه به خاطر قدرت رسمی‌اش، بلکه به دلیل جایگاهش در میان شبکه یعنی تعداد و کیفیت پیوندهایش سرنوشت‌ساز می‌شود. و گاهی یک تصمیم سیاسی، پیش از آن که نظامی باشد، عملیاتی شبکه‌ای است. قطع مسیر پیام‌رسانی، ایجاد ترس در گره‌های کلیدی، و شکستن پیوندهای اعتماد از این منظر، تحلیل شبکه‌ای می‌تواند مکمل ارزشمندی برای مطالعات تاریخی عاشورا باشد، نه برای تغییر روایت، بلکه برای روشن‌تر کردن سازوکارهایی که آن روایت را ممکن کرده‌اند.

## بخش دوم: چارچوب نظری. چرا شبکه، نه فقط روایت؟

تحلیل شبکه‌ای در علوم اجتماعی بر یک ایده‌ی ساده اما پر قدرت بنا شده است. رفتار اجتماعی را نمی‌شود فقط با «ویژگی‌های افراد» توضیح داد، باید «روابط میان افراد» را هم دید. در موضوع کوفه تا کربلا، این نگاه اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند، چون بسیاری از رخدادهای کلیدی از شکل‌گیری دعوت‌ها تا تغییر موازنه‌ی ترس و امید، و از بسیج اولیه تا فروپاشی حمایت‌ها در بستر رابطه‌ها رخ می‌دهد. در این چارچوب، کنشگران تنها بازیگران مشهور صحنه نیستند، حاملان پیام، میانجی‌ها، سران قبایل، کارگزاران امنیتی و حتی حلقه‌های خویشاوندی و قبیله‌ای، همگی در شبکه نقش دارند و گاهی «نقش شبکه‌ای» آن‌ها از عنوان رسمی‌شان اثرگذارتر است. از منظر نظری، این پژوهش در امتداد سنت «شبکه‌گرایی» قرار می‌گیرد، سنتی که جامعه را نه مجموعه‌ای از افراد منفرد، بلکه ساختاری از پیوندها می‌بیند. بر همین اساس، مفاهیمی مثل «مرکزیت»، «میانجی‌گری»، «خوشه‌ها/اجتماعات»، و «گلوگاه‌های ارتباطی» به ابزارهایی تبدیل می‌شوند برای فهم این که چرا برخی کنشگران به نقطه‌ی کانونی تصمیم‌ها و جریان خبر تبدیل شدند و چرا با قطع یا تضعیف چند پیوند حساس، مسیر تحولات تغییر کرد. به طور مشخص، سه فرض نظری راهنمای این پژوهش چنین صورت‌بندی می‌شود.

۱. فرض مرکزیت و نفوذ. کنشگرانی که پیوندهای بیشتری دارند یا به گره‌های مهم‌تری متصل‌اند، ظرفیت بیشتری برای اثرگذاری بر جریان اطلاعات و بسیج اجتماعی دارند.
۲. فرض میانجی‌گری و شکنندگی شبکه. کنشگرانی که میان دو گروه/خوشه قرار می‌گیرند (نقش «پل» دارند)، اگر حذف یا مهار شوند، شبکه به سرعت دچار گسست و پراکندگی می‌شود.

۳. فرض پویایی زمانی شبکه . شبکه‌ی کوفه تا کربلا ثابت نیست، با تغییر شرایط امنیتی، ورود کارگزاران جدید، یا تشدید کنترل، ساختار ارتباطات دگرگون می‌شود و همین دگرگونی‌ها برای تفسیر رخدادها تعیین‌کننده است.

### بخش سوم: تعریف مفاهیم کلیدی و واحد تحلیل

واحد تحلیل در این پژوهش، «کنشگر» و «رابطه» است.

کنشگر : هر فرد یا گروهی که در روند رخدادهای کوفه تا کربلا نقش قابل تشخیص داشته باشد. در این مطالعه، بسته به سطح تحلیل، کنشگران می‌توانند فردی (اشخاص) یا جمعی (طایفه/گروه) تعریف شوند. انتخاب سطح تحلیل، تابع کیفیت داده‌ها و هدف هر بخش است.

رابطه : هر نوع پیوند قابل استناد میان کنشگران. نکته‌ی مهم این است که رابطه در تاریخ همیشه «دوستی» نیست، می‌تواند فرمان، تهدید، مراقبت، گزارش‌دهی، بیعت، نامه‌نگاری، حمایت مالی/لجستیکی، یا همراهی نظامی باشد.

چندلایه بودن روابط . یک زوج کنشگر ممکن است هم‌زمان چند نوع رابطه داشته باشند (مثلاً هم پیوند قبیله‌ای و هم رابطه‌ی سیاسی/امنیتی). این مقاله تلاش می‌کند تا حد امکان روابط را «چندلایه» ببیند، نه تک‌بعدی.

جهت‌داری . بسیاری از روابط این میدان جهت‌دارند (ارسال نامه از A به B، فرمان از حاکم به مأمور، گزارش از مأمور به مرکز) بنابراین شبکه در بخش‌های مهم به صورت شبکه‌ی جهت‌دار مدل می‌شود.

قدرت رابطه. هر جا داده اجازه دهد، شدت/تکرار رابطه نیز وزن‌دهی می‌شود (مثلاً تعدد نامه‌ها یا تکرار نقش یک واسطه در انتقال پیام). اما چون داده‌های تاریخی گاهی نامتوازن‌اند، وزن‌دهی با احتیاط و همراه با توضیح انجام می‌شود.

### بخش چهارم: شناسایی و طبقه‌بندی کنشگران از کوفه تا کربلا

این بخش، نقطه‌ی اتصالِ روش‌شناسی به متن تاریخی است. تا وقتی ندانیم «چه کسانی» را باید به‌عنوان گره‌های شبکه در نظر بگیریم و «چه نوع رابطه‌ای» میان آن‌ها جریان داشته، تحلیل شبکه‌ای تبدیل می‌شود به یک تصویر زیبا اما کم‌فایده. بنابراین در این مقاله، شناسایی کنشگران نه به‌صورت فهرست نام‌ها، بلکه به‌صورت یک طبقه‌بندی کارکردی انجام می‌شود. کنشگر را با نقشش در شبکه می‌شناسیم چه کسی تولیدکننده‌ی پیام است، چه کسی حامل پیام، چه کسی گلوگاه ارتباطی، و چه کسی قطع‌کننده یا بازآراینده‌ی شبکه. برای مطالعه‌ی «کوفه تا کربلا» می‌توان کنشگران را در شش خوشه‌ی اصلی دسته‌بندی کرد. این خوشه‌ها از نظر شبکه‌ای اهمیت دارند، چون معمولاً هر خوشه زیرشبکه‌ی خاص خود را می‌سازد و نقاط اتصال میان خوشه‌ها همان جایی است که سرنوشت شبکه تغییر می‌کند.

#### ۱) هسته‌ی رهبری و کنشگران محوری جبهه‌ی حسینی

در تحلیل شبکه‌ای، یک خطای رایج این است که رهبران را فقط به‌عنوان «مرکز دستور» ببینیم. در حالی که در شبکه‌های تاریخی، جایگاه رهبر علاوه بر فرمان‌دهی، به ظرفیت ایجاد اعتماد و انسجام هم وابسته است. در این پژوهش، هسته‌ی محوری جبهه‌ی حسینی شامل کنشگرانی است که تصمیم، معنا و جهت حرکت را تولید می‌کنند و به‌نوعی «مرکز هنجاری» شبکه‌اند. امام حسین(ع). گره‌ای با مرکزیت معنایی و سیاسی، اما از نظر شبکه‌ای، بسیاری از پیوندهای

او میانجی‌گری شده است (به واسطه‌ی نمایندگان، نامه‌رسان‌ها، و حلقه‌ی همراهان). خانواده و همراهان نزدیک این گروه علاوه بر نقش انسانی و عاطفی، نقش شبکه‌ای مهمی دارند. نگه داشتن انسجام، انتقال پیام، و در برخی نقاط تبدیل شدن به حلقه‌های ارتباطی جایگزین. در مدل‌سازی، رابطه‌های این خوشه عمدتاً از جنس «هدایت»، «اعتماد»، «همراهی» و «پیوستگی درونی» کدگذاری می‌شود.

## ۲) شبکه‌ی دعوت و بسیج در کوفه

کوفه، پیش از آن که به یک مکان تبدیل شود، یک «میدان ارتباطی» است. شبکه‌ی دعوت در کوفه از کنشگرانی شکل می‌گیرد که توان تولید پیام و پخش آن را دارند. در این خوشه، معمولاً با سه نوع کنشگر روبه‌رو هستیم.

۱. دعوت‌گران و چهره‌های فعال سیاسی-اجتماعی. کسانی که در شکل‌گیری موج نامه‌ها و ایجاد امید جمعی نقش دارند.

۲. چهره‌های مذهبی/اجتماعی اثرگذار. کسانی که سرمایه‌ی اعتماد دارند و حضور یا سکوتشان می‌تواند شبکه را تقویت یا سرد کند.

۳. سازوکارهای محلی بسیج. خانه‌ها، محفل‌ها، و پیوندهای محلی/همسایگی که مسیر جریان پیام را فراهم می‌کنند.

از منظر شبکه‌ای، این خوشه معمولاً دارای «تراکم بالا»ست، چون افراد با هم ارتباطات متعدد دارند. اما همین مزیت، یک ضعف هم دارد. شبکه‌ی متراکم اگر زیر فشار امنیتی قرار بگیرد، سریع‌تر قابل شناسایی و مهار می‌شود.

## ۳) سران قبایل و میانجی‌های قبیله‌ای

در کوفه و مسیر کربلا، قبیله فقط یک هویت نیست، یک زیرساخت اجتماعی برای اعتماد، حمایت، و بسیج است. سران قبایل و چهره‌های بانفوذ قبیله‌ای اغلب نقش «کلید شبکه» را بازی می‌کنند، چون می‌توانند یک خوشه‌ی انسانی را یک‌باره وارد حمایت یا بی‌طرفی کنند، رابطه‌شان با ساختار قدرت، دوگانه و متغیر است، و مهم‌تر از همه، اغلب نقش «میانجی» بین مردم و حکومت یا بین دعوت‌گران و توده را دارند. در مدل شبکه‌ای، پیوندهای این خوشه معمولاً «وزن‌دار» است، چون یک ارتباط قبیله‌ای می‌تواند چند ده یا چند صد نفر را در رفتار جمعی تحت تأثیر قرار دهد. همچنین این خوشه محل اصلی شکل‌گیری «روابط چندلایه» است. هم پیوند خویشاوندی، هم پیوند سیاسی، هم پیوند امنیتی.

## ۴) نمایندگان، پیام‌رسان‌ها و گلوگاه‌های ارتباطی

اگر شبکه را مثل یک بدن ببینیم، این گروه رگ‌ها و عصب‌ها هستند. بسیاری از نقاط عطف کوفه تا کربلا دقیقاً آنجاست که «جریان پیام» یا قطع می‌شود یا منحرف. بنابراین پیام‌رسان‌ها در این مقاله فقط «نقش فرعی» ندارند، آن‌ها اغلب تعیین می‌کنند شبکه چگونه نفس بکشد. در کدگذاری، این گروه معمولاً با شاخص میانجی‌گری اهمیت پیدا می‌کند. حتی اگر تعداد پیوندهایشان زیاد نباشد، چون روی مسیرهای اصلی قرار می‌گیرند، حذف یا دستگیری‌شان می‌تواند شبکه را دو تکه کند. انواع رایج کنشگر در این خوشه (نماینده‌ی سیاسی/اجتماعی) با اختیار گفتگو و سازماندهی، نامه‌رسان و حامل خبر واسطه‌های دوطرفه (کسانی که هم با مردم مرتبط‌اند هم با کارگزاران حکومتی)

## ۵) ساختار حکومتی و شبکه‌ی کنترل در کوفه

برای تحلیل شبکه‌ای، باید به این نکته توجه کرد که حکومت صرفاً «یک مرکز فرمان» نیست، خودش یک شبکه است. حاکم، معاونان، مأموران، دیده‌بان‌ها، گزارش‌نویسان، و نیروهای اعمال قدرت. این شبکه دو کار اصلی انجام می‌دهد.

۱. کنترل اطلاعات. شناسایی پیوندها، رصد گلوگاه‌ها، و قطع مسیرهای پیام‌رسانی.

۲. بازآرایی رفتار جمعی با فشار. تهدید، تطمیع، ایجاد هزینه برای پیوندهای حمایتی، و تبدیل پیوندهای اعتماد به پیوندهای ترس.

در مدل‌سازی، این خوشه معمولاً شبکه‌ای «سلسله‌مراتبی و جهت‌دار» دارد، یعنی روابط بیشتر از بالا به پایین (فرمان) و از پایین به بالا (گزارش) جریان دارد. از نظر تحلیلی، این همان نقطه‌ای است که می‌توان فهمید چرا گاهی با وجود وجود گرایش‌های حمایتی، شبکه‌ی دعوت در کوفه پایدار نمی‌ماند. چون شبکه‌ی کنترل، گلوگاه‌ها را زودتر پیدا می‌کند.

## ۶) کنشگران میدان کربلا. نیروهای نظامی، مذاکره، و مرزبندی نهایی

با نزدیک شدن به کربلا، بخشی از شبکه از حالت شهری و چندصدایی خارج می‌شود و به سمت «دو قطبی شدن» می‌رود. در این مرحله، کنشگران جدیدی پررنگ می‌شوند. فرماندهان و نیروهای نظامی که نقششان فقط جنگ نیست، بلکه کنترل حرکت، محاصره، و قطع ارتباطات است. کنشگران مذاکره و پیام‌های پایانی که می‌کوشند مسیر را تغییر دهند یا حداقل پیام را منتقل کنند. تماشاگران/حاشیه‌نشینان شبکه، کسانی که در نزدیکی شبکه‌اند اما وارد

کنش مستقیم نمی‌شوند این‌ها در تحلیل شبکه‌ای مهم‌اند، چون نشان می‌دهند «مرز ورود به کنش» کجاست و چه چیزی مانع عبور می‌شود.

## بخش پنجم: بازسازی شبکه‌ی کوفه. ساختار روابط، مرکزیت‌ها و نقاط شکننده

(۱) منطقی ورود به «کوفه» به‌عنوان یک شبکه

کوفه صرفاً یک پس‌زمینه‌ی جغرافیایی نیست، مسئله‌ی اصلی، سازوکارهای ارتباطی و سازمان اجتماعی درون شهر است. اگر دعوت‌ها، بیعت‌ها، و تغییرات ناگهانی رفتار جمعی را تنها با توالی رخدادها توضیح دهیم، بخشی از علت‌ها پنهان می‌ماند. تحلیل شبکه‌ای امکان می‌دهد کوفه را به‌صورت یک میدان رابطه‌ای ببینیم. شبکه‌ای متراکم از پیوندهای قبیله‌ای و محلی که در آغاز قابلیت بسیج دارد، اما با ورود شبکه‌ی کنترل حکومتی و تغییر در هزینه‌ی «ارتباط»، دچار بازآرایی و گسست می‌شود. به همین دلیل، بازسازی شبکه‌ی کوفه در این مقاله بر سه زیرشبکه‌ی اصلی استوار است. زیرشبکه‌ی دعوت و حمایت، زیرشبکه‌ی قبیله و میانجی‌گری اجتماعی، و زیرشبکه‌ی کنترل و سرکوب. فرض محوری این بخش آن است که نتیجه‌ی سیاسی نهایی، محصول برهم‌کنش همین سه زیرشبکه است.

(۲) تعریف زیرشبکه‌ها و حدود تحلیلی آن‌ها

زیرشبکه‌ی دعوت و حمایت: این زیرشبکه شامل کنشگرانی است که در تولید و انتشار پیام دعوت، شکل‌دهی امید جمعی، و سازمان‌دهی اولیه نقش دارند. روابط کلیدی این زیرشبکه معمولاً از جنس نامه‌نگاری، بیعت، قرارهای محلی، معرفی و توصیه، و همراه‌سازی اجتماعی است. ویژگی شبکه‌ای این زیرشبکه، در مراحل آغازین، تراکم بالا و سرعت گردش پیام

است، اما همین تراکم بالا می‌تواند آن را در برابر نفوذ و شناسایی آسیب‌پذیر کند، زیرا مسیرهای ارتباطی متعدد، نقاط قابل رصد بیشتری ایجاد می‌کند.

زیرشبکه‌ی قبیله و میانجی‌گری اجتماعی: در کوفه، بسیاری از پیوندها «افقی» و بر پایه‌ی همسایگی یا دوستی نیستند، بلکه «عمودی» و متکی بر سازمان قبیله‌ای‌اند. در این زیرشبکه، سران قبایل و چهره‌های میانجی جایگاهی دارند که از منظر شبکه‌ای به آن‌ها نقش گره‌های تجمع‌کننده و گاه پل‌های بین‌خوشه‌ای می‌دهد. روابط این زیرشبکه عمدتاً از جنس وفاداری، حمایت، ضمانت، تبعیت، و نیز چانه‌زنی سیاسی است. ویژگی مهم آن، امکان «بسیج جمعی» است. یک تصمیم یا تغییر موضع در سطح نخبگان قبیله‌ای می‌تواند رفتار گروه بزرگ‌تری را تغییر دهد.

زیرشبکه‌ی کنترل و سرکوب: این زیرشبکه، شبکه‌ای رسمی و جهت‌دار است که در آن روابط غالباً از بالا به پایین (فرمان) و از پایین به بالا (گزارش) جریان دارد. هدفش نه صرفاً اعمال قدرت، بلکه کنترل جریان اطلاعات و افزایش هزینه‌ی پیوندهای حمایتی است. روابط کلیدی آن از جنس نظارت، گزارش‌دهی، تهدید، بازداشت، محدودسازی، و ایجاد ترس سازمان‌یافته است. از منظر شبکه‌ای، این زیرشبکه وقتی موفق می‌شود که بتواند گلوگاه‌های زیرشبکه‌ی دعوت را شناسایی و مسدود کند یا آن‌ها را به پیوندهای پرهزینه تبدیل نماید.

### ۳) انواع روابط و کدگذاری شبکه‌ای در کوفه

در بازسازی شبکه‌ی کوفه، روابط به‌صورت چندنوعی تعریف می‌شوند تا خوانش شبکه‌ای از تک‌بعدی شدن پرهیز کند. در این بخش، دست‌کم پنج دسته رابطه برای کدگذاری در نظر گرفته می‌شود.

۱. ارتباطات پیام‌محور. نامه، پیام شفاهی، نمایندگی، انتقال خبر
  ۲. روابط بسیج و تعهد، بیعت، وعده‌ی حمایت، همراهی، پناه دادن
  ۳. روابط قبیله‌ای/اجتماعی. پیوندهای سرپرستی، ضمانت، میانجی‌گری، نفوذ اجتماعی
  ۴. روابط حکومتی-اداری. فرمان، انتصاب، مأموریت، هماهنگی نظامی/امنیتی
  ۵. روابط کنترل‌گر. رصد، گزارش، تهدید، تطمیع، بازداشت، ایجاد محاصره‌ی ارتباطی
- کدگذاری به‌صورت جهت‌دار انجام می‌شود (مثلاً ارسال پیام از فرستنده به گیرنده) و هر جا امکان داشته باشد وزن رابطه (تکرار/شدت) نیز ثبت می‌شود. با این حال، به دلیل ناهمگنی منابع تاریخی، وزن‌دهی با احتیاط و همراه با توضیح انجام می‌گیرد تا تحلیل به دام قطعیت کاذب نیفتد.
- ۴) الگوی ساختاری شبکه‌ی کوفه. مرکزیت‌ها و نقش‌ها
- بازسازی شبکه‌ی کوفه نشان می‌دهد که در مراحل اولیه، زیرشبکه‌ی دعوت با اتکا به روابط محلی و قبیله‌ای می‌تواند به سرعت گسترش یابد. در چنین وضعی، برخی کنشگران به‌طور طبیعی مرکزیت درجه بالاتری می‌گیرند (به این معنا که با افراد بیشتری در تماس‌اند) و برخی دیگر به دلیل قرار گرفتن میان دو خوشه، مرکزیت میانجی‌گری بیشتری پیدا می‌کنند (یعنی مسیرهای ارتباطی از آن‌ها عبور می‌کند). در ادبیات شبکه، گره‌های نوع دوم از نظر سیاسی بسیار حساس‌اند، زیرا حذف یا بی‌اثر کردنشان می‌تواند جریان ارتباطات را مختل کند حتی اگر شبکه ظاهراً بزرگ باشد. در کوفه معمولاً سه نقش شبکه‌ای برجسته است.

گره‌های کانونی بسیج . کنشگرانی که پیام را تولید یا بازتولید می‌کنند و به تعداد زیادی از افراد دسترسی دارند. میانجی‌ها/پل‌ها کنشگرانی که میان حلقه‌های متفاوت (مثلاً میان قبایل، یا میان محفل‌های دعوت و توده‌ی مردم) اتصال ایجاد می‌کنند. گره‌های اجرایی کنترل کنشگرانی که در شبکه‌ی حکومتی، وظیفه‌ی شناسایی، قطع پیوندها یا افزایش هزینه‌ی ارتباط را بر عهده دارند. موفقیت یا شکست بسیج در کوفه الزاماً به «تعداد» حامیان وابسته نیست، به ساختار اتصال‌ها وابسته است. شبکه‌ای که به چند میانجی حیاتی متکی باشد، در برابر عملیات هدفمند آسیب‌پذیرتر از شبکه‌ای است که مسیرهای جایگزین فراوان دارد.

۵) نقاط شکننده. چرا شبکه‌ی دعوت می‌تواند فروپاشد؟ تحلیل شبکه‌ای کوفه نشان می‌دهد شکنندگی معمولاً در سه سطح رخ می‌دهد.

شکنندگی ارتباطی (انسداد گلوگاه‌ها): اگر شبکه‌ی کنترل بتواند چند کنشگر میانجی را شناسایی و حذف/مهار کند، مسیرهای اصلی انتقال پیام قطع می‌شود. نتیجه، پدیده‌ای است که در تحلیل شبکه «قطعه‌قطعه شدن» نامیده می‌شود. خوشه‌ها از هم جدا می‌شوند، هماهنگی کاهش می‌یابد، و کنش جمعی به رفتارهای پراکنده تبدیل می‌شود. در چنین وضعی، حتی اگر گرایش حمایتی در سطح توده وجود داشته باشد، شبکه توان تبدیل آن به اقدام هماهنگ را از دست می‌دهد.

شکنندگی اعتماد (افزایش هزینه‌ی رابطه): در شرایط عادی، پیوندهای حمایت‌گرا نه کم هزینه‌اند. دیدار، پیام‌رسانی، همراهی. اما وقتی نظارت و تهدید وارد می‌شود، همان پیوندها به روابط پرهزینه تبدیل می‌شوند. در زبان شبکه‌ای، «هزینه‌ی یال‌ها» بالا می‌رود و کنشگران

ترجیح می‌دهند ارتباطاتشان را کاهش دهند یا مخفی کنند. نتیجه‌ی عملی آن، کاهش تراکم زیرشبکه‌ی دعوت و کاهش سرعت گردش پیام است.

شکنندگی قبیله‌ای (دوپارگی میان نخبگان و توده): کوفه جامعه‌ای است که بخش مهمی از کنش جمع‌ی‌اش از کانال تصمیم‌های قبیله‌ای عبور می‌کند. اگر سران قبایل دچار تردید، دوگانگی یا فشار شوند، زیرشبکه‌ی قبیله‌ای از یک موتور بسیج به یک عامل توقف تبدیل می‌شود. از منظر شبکه، این وضعیت به معنای تغییر جهت پیوندهای نفوذ است. همان کانالی که می‌توانست حمایت را پخش کند، اکنون می‌تواند ترس و احتیاط را پخش کند.

### بخش ششم: از کوفه تا کر بلا. شبکه‌ی مسیر، انتقال خبر و بازآرایی کنشگران

الف) گذار از شبکه‌ی شهری به شبکه‌ی مسیر

با خروج از کوفه، منطق شبکه تغییر می‌کند. در شهر، شبکه‌ها معمولاً متراکم‌اند. ارتباطات متعدد، مسیرهای جایگزین زیاد، و امکان بازتولید پیام در چندین محفل و حلقه وجود دارد. اما «مسیر» ذاتاً شبکه‌ای کم‌تراکم‌تر و خطی‌تر می‌سازد، گره‌ها کمتر می‌شوند، تماس‌ها محدودتر است، و هر پیوندی که برقرار می‌شود، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. به همین دلیل، تحلیل شبکه‌ای در این مقطع باید به جای تمرکز صرف بر تعداد روابط، روی کیفیت مسیرهای ارتباطی و گلوگاه‌های انتقال خبر متمرکز شود. در این مرحله، شبکه به سمت نوعی «شبکه‌ی گذرگاهی» حرکت می‌کند. برخی کنشگران و نقاط جغرافیایی مثل منزلگاه‌ها، کاروان‌ها، یا افراد خاص به ایستگاه‌هایی تبدیل می‌شوند که از آن‌ها خبر عبور می‌کند. در ادبیات شبکه، چنین ساختاری مستعد شکل‌گیری گره‌های میانجی با اثر بالا است، زیرا اگر مسیرهای ارتباطی محدود باشد، هر واسطه می‌تواند سرنوشت جریان اطلاعات را تغییر دهد.

## ب) کنشگران کلیدی شبکه‌ی مسیر

در مسیر کوفه تا کربلا (و در امتداد آن تا کربلا)، الگوی کنشگری نسبت به کوفه متفاوت می‌شود. در اینجا، کنشگران را می‌توان در چهار گروه تحلیلی دسته‌بندی کرد.

حلقه‌ی همراهان و سازمان داخلی کاروان: کاروان یک شبکه‌ی درون گروهی است با کارکردهای متنوع. تصمیم‌سازی، حفاظت، هماهنگی، و مدیریت منابع. در این زیرشبکه، روابط غالباً از نوع اعتماد، همراهی، هماهنگی عملیاتی، و انتقال اطلاعات داخلی است. از منظر شبکه‌ای، انسجام این زیرشبکه تعیین می‌کند که کاروان در برابر تغییرات بیرونی—شایعه، تهدید، یا پیشنهادهای مذاکره—چقدر پایدار بماند.

پیام‌رسان‌ها و حاملان خبر: در شبکه‌ی مسیر، پیام‌رسان‌ها نقش برجسته‌تری نسبت به کوفه پیدا می‌کنند. چون شبکه دیگر متکی به محفل‌های شهری نیست، «خبر» از طریق افراد مشخص و مسیرهای محدود منتقل می‌شود. بنابراین، پیام‌رسان‌ها در این مرحله غالباً میانجی‌های حیاتی هستند و مرکزیت میانجی‌گری آن‌ها می‌تواند بالاتر از بسیاری از چهره‌های پرنام‌ونشان باشد.

کنشگران مرزی و محلی در منزلگاه‌ها: منزلگاه‌ها یا نقاط توقف، محل برخورد شبکه‌های متفاوت‌اند. شبکه‌ی کاروان، شبکه‌ی محلی، و شبکه‌ی حکومتی. کنشگران محلی چه افراد منفرد و چه گروه‌ها می‌توانند نقش «گره‌های پیونددهنده» را داشته باشند. خبر را منتقل کنند، منابع فراهم کنند، یا برعکس، به عنوان عامل بازدارنده عمل کنند. از منظر شبکه‌ای، منزلگاه‌ها نوعی گره‌های مکانی هستند که در مدل‌سازی می‌توان آن‌ها را به عنوان نقاطی در شبکه‌ی دووجهی (کنشگر-مکان) نیز در نظر گرفت.

شبکه‌ی تعقیب و محدودسازی: در مسیر، بخشی از شبکه‌ی کنترل از حالت «رصد شهری» به حالت «کنترل حرکت» تغییر می‌کند. کنشگران این خوشه معمولاً روابطی از جنس دستور، محاصره، مراقبت مسیر، قطع ارتباطات، و هدایت اجباری مسیر برقرار می‌کنند. مهم‌ترین اثر شبکه‌ای آن‌ها، کاهش گزینه‌های ارتباطی کاروان و محدود کردن تماس‌هاست.

### ج) انواع روابط در شبکه‌ی مسیر

برخلاف کوفه که روابط سیاسی-اجتماعی بسیار متنوع و گاه چندلایه‌اند، در مسیر برخی روابط برجسته‌تر می‌شوند.

۱. خبر و ضدخبر. انتقال خبرهای واقعی، شایعه، خبر ناقص یا دیررس
  ۲. مذاکره و پیام‌های رفت و برگشتی. پیام‌هایی که برای تغییر مسیر تصمیم‌ها ارسال می‌شوند
  ۳. محدودسازی و محاصره‌ی ارتباطی. جلوگیری از پیوندهای بیرونی یا کنترل تماس‌ها
  ۴. حمایت و تأمین. فراهم کردن آب، غذا، پناه، یا امکانات
  ۵. هدایت مسیر و اجبار مکانی. تغییر مسیر حرکتی یا توقف اجباری
- این روابط غالباً جهت‌دار و در بسیاری موارد پرهزینه هستند، یعنی کنشگر برای برقراری رابطه باید ریسک بپذیرد. همین عامل باعث می‌شود شبکه‌ی مسیر در مقایسه با کوفه سریع‌تر «باریک» شود. افراد کمتری حاضر به ایجاد پیوند می‌شوند.

## د) منطق «اطلاعات» در مسیر. چرا خبر سرنوشت‌ساز می‌شود؟

در شبکه‌های گذرگاهی، اطلاعات ارزش ویژه‌ای دارد، چون تصمیم‌ها در زمان کوتاه و با داده‌های محدود گرفته می‌شوند. از دید شبکه‌ای، سه پدیده در اینجا مهم است.

تأخیر اطلاعاتی: وقتی خبر دیر برسد، حتی خبر درست هم می‌تواند اثر معکوس داشته باشد. تأخیر اطلاعاتی به معنای آن است که شبکه‌ی تصمیم‌گیری با داده‌ای کار می‌کند که با وضعیت واقعی هم‌زمان نیست. در مدل تحلیل، این موضوع به شکل «وزن زمانی یال‌ها» یا حداقل به عنوان متغیری کیفی ثبت می‌شود.

انسداد مسیرهای جایگزین: اگر شبکه‌ی کنترل بتواند چند مسیر ارتباطی را ببندد، کاروان ناچار می‌شود به منابع محدود خبر تکیه کند. این وضعیت احتمال خطا، سوءبرداشت و تصمیم‌گیری تحت فشار را بالا می‌برد. از منظر شبکه‌ای، شبکه به سمت وابستگی به چند گلوگاه می‌رود.

رقابت روایت‌ها و پیام‌ها: در مسیر، پیام‌ها فقط «اطلاع» نیستند، «اثرگذاری» هم هستند. هر پیام می‌تواند حامل ترغیب، تهدید، یا پیشنهاد باشد. بنابراین شبکه‌ی مسیر را باید شبکه‌ای دانست که در آن «محتوا» اهمیت دارد. هر چند تحلیل شبکه کلاسیک عمدتاً ساختارمحور است، این مقاله با ثبت نوع پیام و هدف آن (اطلاع/تهدید/مذاکره) تلاش می‌کند پیوند میان ساختار و محتوا را حفظ کند.

بازآرایی شبکه و نزدیک شدن به کربلا: با نزدیک شدن به کربلا، شبکه‌ی مسیر کم‌کم از حالت گذرگاهی به حالت «میدان مواجهه» تبدیل می‌شود. این تغییر معمولاً با چند شاخص شبکه‌ای قابل تشخیص است. کاهش تنوع پیوندها، روابط حمایتی و محلی کمتر می‌شود و

روابط کنترل گر افزایش می‌یابد. افزایش جهت‌داری شبکه، فرمان‌ها و محدودیت‌ها برجسته‌تر می‌شوند. دو قطبی شدن خوشه‌ها، شبکه از چند خوشه‌ی هم‌پوشان به دو بلوک با پیوندهای اندک میان آن‌ها نزدیک می‌شود. تمرکز گلوگاه‌ها بر مکان، مکان (کربلا) نقش‌گره تعیین‌کننده پیدا می‌کند، یعنی کنترل مکان به معنای کنترل شبکه است. در این نقطه، تحلیل شبکه‌ای کمک می‌کند بفهمیم چرا کربلا نه فقط یک انتخاب مکانی، بلکه نتیجه‌ی روندی است که در آن شبکه‌ی کنترل، گزینه‌های ارتباطی و حرکتی را به حداقل رسانده و شبکه‌ی کاروان را در یک محدوده‌ی مکانی متمرکز کرده است.

### بخش هفتم: شبکه‌ی کربلا. دو قطبی شدن، محاصره و نقش کنشگران مرزی

الف) کربلا به مثابه «گره مکانی» و نقطه‌ی همگرایی شبکه

در تحلیل شبکه‌ای، گاهی یک مکان صرفاً پس‌زمینه نیست، خودش به یک عامل سازمان‌دهنده تبدیل می‌شود. کربلا در این مقاله از همین جنس است. نقطه‌ای که در آن شبکه‌ی مسیر از حالت گذرگاهی و نسبتاً منعطف، به وضعیتی متمرکز، محدود و دو قطبی می‌رسد. اگر در کوفه مسئله «گردش سریع پیام» بود و در مسیر مسئله «گلوگاه‌های انتقال خبر»، در کربلا مسئله اصلی «کنترل تماس‌ها» و «مرزبندی سخت میان خوشه‌ها» است. به بیان دقیق‌تر، کربلا جایی است که شبکه از نظر ساختاری وارد فاز محاصره‌ی ارتباطی می‌شود، یعنی نه فقط حرکت فیزیکی، بلکه امکان پیوندهای بیرونی و تبادل اطلاعات نیز به شدت کاهش می‌یابد.

از منظر مدل‌سازی، این مرحله را می‌توان به صورت هم‌زمان با دو تغییر توصیف کرد.

۱. افزایش نقش گره‌های نظامی-اداری در تعیین جهت و هزینه‌ی روابط،

۲. تبدیل شدن مکان به یک متغیر تعیین کننده در شبکه، به گونه ای که بخش مهمی از روابط نه بر اساس انتخاب آزاد کنشگران، بلکه بر اساس کنترل میدان مکانی شکل می گیرد.

ب) ساختار کلی شبکه در کربلا. دو خوشه ی اصلی و پیوندهای کم تعداد میان آن ها در آستانه و روزهای منتهی به عاشورا، شبکه به دو خوشه ی اصلی نزدیک می شود.

خوشه ی جبهه ی حسینی. یک زیر شبکه ی درون گروهی با انسجام بالا، پیوندهای مبتنی بر اعتماد، و روابط هماهنگی داخلی. در این خوشه، «تراکم» درون گروهی به طور طبیعی بالاست، چون تماس ها در فضای محدود و هم زیستی مداوم شکل می گیرد.

خوشه ی نیروهای حاکم/نظامی. زیر شبکه ای سلسله مراتبی و جهت دار که با فرمان و گزارش و کنترل عمل می کند و در آن «مرکزیت» بیشتر به جایگاه اداری و فرماندهی وابسته است. در میان این دو خوشه، تعداد پیوندها محدود است و عمدتاً به روابطی مثل مذاکره، ابلاغ پیام، پیشنهاد/پاسخ، یا اعمال محدودیت تقلیل پیدا می کند. همین کم بودن پیوندهای بین خوشه ای، یکی از شاخص های اصلی «دوقطبی شدن» است. شبکه به جای آن که میدان گفت و گو و چندصدایی باشد، تبدیل می شود به دو بلوک که تماس میانشان کنترل شده و پرهزینه است.

ج) محاصره ی ارتباطی. چگونه شبکه «باریک» می شود؟

در کربلا، کنترل شبکه بیش از هر چیز با «باریک کردن مسیرهای ارتباطی» انجام می گیرد. این باریک شدن را می توان در سه سطح تحلیل کرد.

د) کنشگران مرزی. میانجی‌ها، پیام‌ها و نقاط تماس

با دوقطبی شدن شبکه، اهمیت کنشگرانی که در مرز دو خوشه قرار می‌گیرند افزایش پیدا می‌کند. این‌ها همان گره‌هایی هستند که امکان «تماس محدود اما مؤثر» را فراهم می‌کنند. در این بخش، سه نوع کنشگر مرزی اهمیت ویژه دارند.

ر) الگوی شاخص‌های شبکه در کربلا. چه چیزی انتظار می‌رود؟ اگر شبکه‌ی کربلا با شاخص‌های تحلیل شبکه توصیف شود، انتظار می‌رود الگوهای زیر دیده شود:

۱. تراکم درون‌گروهی بالا در خوشه‌ی حسینی (به دلیل هم‌زیستی و انسجام)
۲. سلسله‌مراتب و جهت‌داری بالا در خوشه‌ی نظامی-اداری
۳. پیوندهای بین‌خوشه‌ای اندک و عمدتاً محدود به پیام/مذاکره/کنترل
۴. مرکزیت میانجی‌گری بالا برای تعداد کمی از کنشگران مرزی
۵. افزایش آسیب‌پذیری شبکه به قطع چند پیوند کلیدی

کربلا صرفاً «یک میدان نبرد» نیست، از نظر شبکه‌ای، یک میدان با گزینه‌های ارتباطی حداقلی است که در آن هر پل ارتباطی ارزش و حساسیت بالایی دارد. در کربلا شبکه به وضعیت دوقطبی و محصور نزدیک می‌شود. دو خوشه‌ی اصلی با پیوندهای اندک و پرهزینه میان آن‌ها. راهبرد شبکه‌ی کنترل در این مرحله، بیش از هر چیز «مدیریت پیوندها» است. کاهش ارتباطات بیرونی، افزایش هزینه‌ی تماس‌ها، و تبدیل مکان و منابع به ابزارهای محدودسازی شبکه. در مقابل، خوشه‌ی حسینی با انسجام درون‌گروهی و روابط اعتماد، شبکه‌ی خود را از فروپاشی حفظ می‌کند، اما به دلیل انسداد ارتباطی، امکان توسعه‌ی شبکه و اتصال به بیرون بسیار محدود

می‌شود. نتیجه، وضعیتی است که در آن ساختار شبکه‌ای عملاً اجازه‌ی بازگشت به چندمسیرگی و بسیج گسترده را نمی‌دهد و میدان به سمت مواجهه‌ی نهایی پیش می‌رود.

### **بخش هشتم: یافته‌ها و بحث (تبیین شبکه‌ای تغییرات از کوفه تا کربلا)**

یافته‌های این پژوهش بر یک مشاهده‌ی محوری استوار است. آنچه از کوفه تا کربلا رخ می‌دهد را می‌توان به صورت یک فرایند تدریجی «باریک شدن شبکه» فهم کرد، فرایندی که در آن، شبکه‌ی دعوت و حمایت ابتدا با اتکا به پیوندهای محلی و قبیله‌ای گسترش می‌یابد، سپس با فعال شدن شبکه‌ی کنترل دچار گسست می‌شود، در مسیر به شبکه‌ای گذرگاهی و وابسته به گلوگاه‌ها تبدیل می‌گردد، و در نهایت در کربلا به شکل یک آرایش دوقطبی و محصور تثبیت می‌شود. بنابراین، تبیین شبکه‌ای نه جایگزین روایت تاریخی، بلکه یک «لایه‌ی توضیحی» است که نشان می‌دهد چگونه تغییر در ساختار ارتباطات، ظرفیت کنش جمعی را کاهش یا محدود می‌کند.

### **یافته‌ی اول: کوفه شبکه‌ای متراکم اما وابسته به میانجی‌های حساس است**

بازسازی شبکه‌ی کوفه نشان می‌دهد که در مرحله‌ی نخست، زیرشبکه‌ی دعوت از نظر ارتباطی ظرفیت بالایی دارد. تماس‌های متعدد، انتقال سریع پیام، و شکل‌گیری خوشه‌های هم‌بسته. با این حال، همین شبکه‌ی متراکم از نظر ساختاری یک آسیب‌پذیری مهم دارد. بخش قابل توجهی از اتصال میان خوشه‌ها از طریق تعداد محدودی میانجی و گره‌های پل‌ساز انجام می‌شود. در زبان تحلیل شبکه، این یعنی بخشی از شبکه دارای «وابستگی به گلوگاه‌ها» است. بحث این الگو توضیح می‌دهد چرا در برخی موقعیت‌ها، حذف یا مهار چند کنشگر خاص می‌تواند اثر نامتناسبی بر کل شبکه بگذارد. حتی اگر تعداد حامیان بالقوه زیاد باشد،

وقتی ارتباطات میان خوشه‌ها از چند پل حیاتی عبور کند، شبکه در برابر عملیات هدفمند شکننده می‌شود. در نتیجه، فروکاستن مسئله به «کم یا زیاد بودن حمایت» کافی نیست، باید دید حمایت چگونه سازمان پیدا کرده و از چه مسیرهایی عبور می‌کند.

## **یافته‌ی دوم: شبکه‌ی کنترل با «قطع پیوند» و «افزایش هزینه‌ی رابطه» عمل می‌کند**

یکی از نتایج مهم این مطالعه آن است که شبکه‌ی حکومتی در کوفه را باید نه فقط شبکه‌ی اعمال زور، بلکه شبکه‌ی مدیریت ارتباطات دانست. کارکرد اصلی این شبکه در سطح شبکه‌ای دو چیز است.

۱. شناسایی و مهار گلوگاه‌ها. تمرکز بر کنشگران میانجی و نقاط اتصال میان خوشه‌ها.
۲. افزایش هزینه‌ی ارتباط حمایتی. تبدیل دیدار، نامه‌رسانی، یا همراهی به کنش‌های پرریسک. این الگو نشان می‌دهد که کنترل سیاسی در چنین میدانی الزماً با درگیری گسترده آغاز نمی‌شود، بلکه با تغییر «اقتصاد رابطه» پیش می‌رود. وقتی هزینه‌ی ارتباط بالا می‌رود، شبکه به‌طور طبیعی کم‌تراکم‌تر می‌شود، افراد ارتباطات خود را کاهش می‌دهند، و خوشه‌ها از هم جدا می‌شوند. به عبارت دیگر، بخشی از تغییر رفتار جمعی را می‌توان به تغییر در «شرایط امکان رابطه» نسبت داد، نه فقط به تغییر باور یا نیت افراد.

**یافته‌ی سوم: شکاف میان زیرشبکه‌ی قبیله‌ای و زیرشبکه‌ی دعوت، یکی از نقاط کلیدی تغییر است.** تحلیل نشان می‌دهد زیرشبکه‌ی قبیله‌ای در کوفه دو کارکرد متضاد می‌تواند داشته باشد. در شرایطی، موتور بسیج و حمایت است، و در شرایطی دیگر، به دلیل

فشار، مصلحت‌سنجی یا دوگانگی نخبگان، تبدیل به سازوکاری برای توقف و پراکندگی می‌شود. از منظر شبکه‌ای، اهمیت این یافته در آن است که قبیله نوعی «تقویت‌کننده» است. می‌تواند پیام را سریع‌تر پخش کند و کنش را جمعی‌تر کند، اما اگر کانال‌های نفوذ در سطح نخبگان قبیله‌ای تغییر جهت دهند، همان سازوکار می‌تواند ترس و احتیاط را نیز تقویت کند. اینجاست که تحلیل شبکه‌ای کمک می‌کند تضادهای ظاهری را توضیح دهد. چرا هم‌زمان می‌توان نشانه‌های همدلی در بدنه و احتیاط یا عقب‌نشینی در سطح سازمانی دید.

### **یافته‌ی چهارم: در مسیر، شبکه به «شبکه‌ی گلوگاهی» تبدیل می‌شود و اطلاعات نقش تعیین‌کننده می‌یابد**

در گذار از کوفه به مسیر، شبکه از ساختار متراکم شهری به ساختاری کم‌تراکم و گذرگاهی تغییر می‌کند. در این وضعیت، نقش کنشگرانی که خبر را منتقل می‌کنند یا در نقاط توقف امکان اتصال ایجاد می‌کنند، پررنگ‌تر می‌شود. همچنین «زمان» و «کیفیت خبر» در تصمیم‌ها اثر مستقیم می‌گذارد. در شبکه‌ی گذرگاهی، یک واسطه even با روابط کم می‌تواند اثر بالا داشته باشد، چون مسیرهای جایگزین محدود است. همچنین تأخیر یا اختلال در خبر، می‌تواند شبکه‌ی تصمیم را از وضعیت واقعی عقب‌نگه دارد. بنابراین، تحلیل شبکه‌ای نشان می‌دهد چرا در مسیر، «اطلاع» صرفاً داده نیست، بلکه یک عامل ساختاری است. کنترل اطلاعات معادل کنترل شبکه است.

## یافته‌ی پنجم: در کربلا شبکه به دوقطبی محصور می‌رسد، پیوندهای بین‌خوشه‌ای حداقلی و پرهزینه‌اند.

در کربلا، شبکه به دو خوشه‌ی اصلی نزدیک می‌شود. خوشه‌ی درون‌گروهیِ منسجم و خوشه‌ی سلسله‌مراتبیِ کنترل. پیوندهای میان دو خوشه محدود می‌شود و عمدتاً در قالب پیام، مذاکره، یا اعمال محدودیت باقی می‌ماند. از نظر شاخص‌ها، انتظار می‌رود تعداد اندکی کنشگر مرزی دارای مرکزیت میانجی‌گری بالا باشند. در وضعیت محاصره، «امکان شبکه‌سازی جدید» به حداقل می‌رسد. شبکه‌ی درون‌گروهی می‌تواند انسجام خود را حفظ کند، اما امکان گسترش پیوندها یا ایجاد مسیرهای حمایتی بیرونی کاهش می‌یابد. بنابراین، دوقطبی شدن و محاصره را باید به‌عنوان مرحله‌ی نهاییِ فرایند باریک شدن شبکه فهم کرد. جایی که کنترل مکان و منابع، به کنترل ارتباطات تبدیل می‌شود.

### نتیجه‌گیری

این پژوهش با عنوان «تحلیل شبکه‌ای کنشگران کوفه تا کربلا» کوشید به‌جای بازگویی صرفِ توالی رخدادها، سازوکارهای رابطه‌ای و ساختار ارتباطات را در این مقطع تاریخی برجسته کند. ایده‌ی مرکزی پژوهش آن بود که بسیاری از دگرگونی‌ها از شکل‌گیری دعوت‌ها در کوفه تا تثبیت وضعیت محاصره در کربلا در سطح «شبکه‌ی پیوندها» قابل فهم دقیق‌تر است، یعنی در سطحی که نشان می‌دهد کنشگران چگونه به هم متصل بوده‌اند، چه کسانی گلوگاه ارتباطی بوده‌اند، و چگونه برخی پیوندهای حساس، ظرفیت بسیج و کنش جمعی را تقویت یا تضعیف کرده‌اند.

یافته‌های اصلی نشان داد که شبکه‌ی کوفه در آغاز دارای ظرفیت بالای بسیج است، زیرا پیوندهای محلی و قبیله‌ای به شکل‌گیری خوشه‌های متراکم و گردش سریع پیام کمک می‌کند. با این حال، همین شبکه به دلیل اتکا به تعداد محدودی کنشگر میانجی و پل‌های ارتباطی، از منظر ساختاری شکننده است. در ادامه، شبکه‌ی کنترل حکومتی نه فقط با اعمال قدرت مستقیم، بلکه با راهبردهای شبکه‌ای پیش می‌رود. شناسایی و مهار گلوگاه‌ها، افزایش هزینه‌ی ارتباطات حمایتی، و تبدیل مسیرهای ارتباطی به مسیرهای پرریسک. نتیجه‌ی این فرایند، کاهش تراکم شبکه‌ی دعوت و قطعه‌قطعه شدن آن به خوشه‌هایی است که توان هماهنگی و اقدام جمعی را از دست می‌دهند. در مرحله‌ی مسیر، ساختار شبکه تغییر ماهیت می‌دهد. شبکه از حالت شهری متراکم به شبکه‌ای گذرگاهی و کم‌تراکم نزدیک می‌شود، جایی که انتقال خبر و نقش پیام‌رسان‌ها و نقاط اتصال مکانی اهمیت مضاعف پیدا می‌کند. در چنین شبکه‌ای، محدود شدن مسیرهای ارتباطی و تأخیر اطلاعاتی می‌تواند تصمیم‌سازی را به شدت تحت تأثیر قرار دهد و وابستگی به چند گلوگاه محدود را افزایش دهد. نهایتاً در کربلا، شبکه به وضعیت دوقطبی و محصور می‌رسد. دو خوشه‌ی اصلی با پیوندهای اندک و پرهزینه میان آن‌ها. در این مرحله، کنترل مکان و منابع به کنترل ارتباطات تبدیل می‌شود و امکان شبکه‌سازی بیرونی عملاً به حداقل می‌رسد. از منظر نظری، دستاورد این پژوهش آن است که نشان می‌دهد تحلیل شبکه‌ای می‌تواند مکملی روش‌مند برای مطالعات تاریخی باشد، زیرا به جای تقلیل پدیده به صف‌بندی‌های کلی یا داوری‌های کلی‌نگر، بر «ساختار اتصال‌ها» و «نقش‌های شبکه‌ای» تمرکز می‌کند. در این چارچوب، مفاهیمی مانند مرکزیت، میانجی‌گری، خوشه‌بندی و محاصره‌ی ارتباطی کمک می‌کنند تا روشن شود چرا در برخی نقاط، حذف یا مهار چند پیوند یا چند کنشگر خاص، اثری فراتر از وزن ظاهری آنان در روایت داشته است. همچنین پژوهش نشان داد که تغییرات رفتاری را می‌توان در بخشی از موارد نه صرفاً به تغییر

باور یا انگیزه، بلکه به تغییر در «هزینه و امکان رابطه» نسبت داد، یعنی به شرایطی که ارتباط را تسهیل یا پرهزینه می کند.

## منابع و مآخذ

۱. البلاذری، أحمد بن یحیی. (۱۹۷۷). *أنساب الأشراف* (تحقیق. محمد باقر المحمودی). بیروت. دار التعارف للمطبوعات .
۲. البلاذری، أحمد بن یحیی. (بی تا). *أنساب الأشراف* (تحقیق. سهیل زکار، و ریاض زرکلی). بیروت. دار الفکر .
۳. الدینوری، أحمد بن داود. (۱۳۷۳). *الأخبار الطوال* (تحقیق. محمد عبدالمنعم عامر، تصحیح. جمال الدین شیال). قم. الشریف الرضی .
۴. الدینوری، أحمد بن داود. (بی تا). *الأخبار الطوال* (تحقیق. عبد المنعم عامر، مراجعة. جمال الدین الشیال). (مصر). وزارة الثقافة والإرشاد القومي .
۵. الطبری، محمد بن جریر. (بی تا). *تاریخ الرسل والملوک* (تاریخ الطبری. (بی جا). (بی ناشر) .
۶. الطبری، محمد بن جریر. (۱۹۹۴-۱۹۷۷). *تاریخ الطبری. تاریخ الرسل والملوک* . (القاهرة). دار المعارف .
۷. الیعقوبی، أحمد بن أبی یعقوب. (بی تا). *تاریخ الیعقوبی* . (بیروت / قم / القاهرة). (چاپ های متعدد).
۸. المسعودی، علی بن الحسین. (بی تا). *مروج الذهب ومعادن الجوهر* . (بیروت / القاهرة). (چاپ های متعدد).

۹. ابن سعد، محمد. (بی تا) *الطبقات الکبری*. (بیروت). دار صادر/چاپ‌های متعدد.
۱۰. ابن الأثیر، عزّ الدین. (بی تا) *الکامل فی التاریخ*. (بیروت). دار صادر/چاپ‌های متعدد.
۱۱. ابن کثیر، إسماعیل بن عمر. (بی تا) *البدایه والنهایه*. (بیروت/القاهره). (چاپ‌های متعدد).
۱۲. أبو الفرج الأصفهانی، علی بن الحسین. (بی تا) *مقاتل الطالبیین*. (بیروت/نجف/قم). (چاپ‌های متعدد).
۱۳. ابن طاووس، علی بن موسی. (بی تا) *اللهوف علی قتلی الطفوف*. (قم/بیروت). (چاپ‌های متعدد).
۱۴. المفید، محمد بن محمد (الشیخ المفید). (بی تا) *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*. (قم/بیروت). (چاپ‌های متعدد).
۱۵. الخوارزمی، الموفق بن أحمد. (بی تا) *مقتل الحسین*. بی جا. (چاپ‌های متعدد).
۱۶. ابن أعثم الکوفی، أحمد بن أعثم. (بی تا) *الفتوح*. بیروت/قم. (چاپ‌های متعدد).
۱۷. منابع فارسی
۱۸. طبری، محمد بن جریر. (بی تا) *تاریخ طبری* (ترجمه. ابوالقاسم پاینده، ۱۶ جلد). تهران. نشر اساطیر.

۱۹. مفید، محمد بن محمد. (۱۳۷۸). *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد* (ترجمه و شرح. هاشم رسولی محلاتی). تهران. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۰. مفید، محمد بن محمد. (۱۳۸۸). *ترجمه ارشاد شیخ مفید، سیره ائمه اطهار علیهم السلام* (ترجمه. حسن موسوی مجاب). قم. سرور.
۲۱. ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۳۸۲). *متن کامل و ترجمه لهوف سید ابن طاووس* (ترجمه. عباس عزیزی). قم. صلاه.
۲۲. ابن اعثم کوفی، احمد بن اعثم. (۵۹۶ق/بی تا). *الفتوح* (ترجمه مستوفی هروی) (ترجمه. محمد بن احمد مستوفی هروی). (چاپ های متعدد).
۲۳. شهیدی، سید جعفر. (۱۳۵۸). *پس از پنجاه سال، پژوهشی تازه پیرامون قیام حسین (ع)*. تهران. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۴. مطهری، مرتضی. (بی تا). *حماسه حسینی* (جلد ۱-۲). تهران. انتشارات صدرا.
۲۵. محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۸). *دانشنامه امام حسین علیه السلام، بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ* (با همکاری. محمود طباطبایی نژاد و روح الله سید طباطبایی، ترجمه. عبدالهادی مسعودی و مهدی مهریزی، ۱۴ جلد). قم. دارالحدیث.
۲۶. پیشوایی، مهدی (زیر نظر). (بی تا). *تاریخ قیام و مقتل جامع سید الشهداء (ع)*. قم. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.